

نماز

در مدرسه اهل بیت علیهم السّلام

علی اکبر تلافی

حقیقت نماز

خدای عزوجل فرماید:

• وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي. (قرآن، طه / ۱۴)

○ و نماز را برای یاد کردن من به پا دار.

حضرت سجاد علیه السلام فرماید:

• وَ حَقُّ الصَّلَاةِ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهَا وَفَادَةٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ. (کتاب من لا یحضره الفقیه ۲ / ۶۱۹)

○ و حق نماز این باشد که بدانی که آن، وارد شدن به پیشگاه خدای عزوجل است.

* با استفاده از آیه ها و روایتهای فراوان توان گفت: «نماز» ذکر، توجّه و اقبال به خداست که با شرایط و اعمال خاصی انجام می پذیرد. کمال نماز وابسته به حضور قلب و التفات به معانی است. نماز گزار با یاد کردن خدا و تسبیح و تمجید او، به خدمت آفریدگار خود می پردازد و دست نیاز به سوی خداوند بی نیاز بر می دارد و از او یاری می جوید.

اهمیت نماز

خدای عزوجل فرماید:

• إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا. (قرآن، نساء / ۱۰۳)

○ همانا نماز بر ایمان آورندگان فریضه ای ثابت است.

رسول الله صلى الله عليه و آله فرماید:

- مَثَلُ الصَّلَاةِ مَثَلُ عَمُودِ الْفُسْطَاطِ إِذَا ثَبَتَ الْعَمُودُ نَفَعَتِ الْأُتُنَابُ وَالْأَوْتَادُ وَالْغِشَاءُ وَإِذَا انْكَسَرَ الْعَمُودُ لَمْ يَنْفَعْ طُنْبٌ وَلَا وَتْدٌ وَلَا غِشَاءٌ. (التهذيب ۲/ ۲۳۸، الكافي ۳/ ۲۶۶، كتاب من لا يحضره الفقيه ۱/ ۲۱۱)

* این حدیث از حضرت باقر علیه السلام نیز روایت شده است. (بنگريد به: المحاسن / ۴۴)

- مثل نماز مثل ستون خیمه است. آن هنگامی که ستون ثابت باشد، طنابها و میخها و پوشش خیمه نیز سودی دهد. و هنگامی که ستون بشکند، نه طنابی سود دهد و نه میخی و نه پوشش خیمه.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرماید:

- أُوصِيكُمْ بِالصَّلَاةِ وَحِفْظِهَا فَإِنَّهَا خَيْرُ الْعَمَلِ وَهِيَ عَمُودُ دِينِكُمْ. (أُمَالِي الطُّوسِي ۲/ ۱۳۶)
- شما را به نماز و حفظ آن سفارش می کنم. چه، آن بهترین عمل است. و آن، ستون دین شماست.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرماید:

- اللَّهُ اللَّهُ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّهَا عَمُودُ دِينِكُمْ. (نهج البلاغه / ۴۲۲، نامه ۴۷)
- از خدای درباره نماز دهه بهراسید. زیرا که آن، ستون دین شماست.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرماید:

- كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَ نَصَبًا بِالصَّلَاةِ بَعْدَ التَّبَشِيرِ لَهُ بِالْجَنَّةِ لِقَوْلِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ: «وَأَمْرُ أَهْلِكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبْرَ عَلَيْهَا» فَكَانَ يَأْمُرُ بِهَا أَهْلَهُ وَيَصْبِرُ عَلَيْهَا نَفْسَهُ. (نهج البلاغه / ۳۱۷، خطبه ۱۹۹)

○ رسول خدا صلی الله و علیه و آله خود را برای نماز به رنج و زحمت می افکند؛ با اینکه پروردگار به بهشتش مژده داده بود. چرا که خدای سبحان فرموده بود: «اهل خویش را امر کن تا نماز خوانند و خود بر آن شکیبایی ورز» (طه/۱۳۲) از این رو حضرتش اهل خود را به نماز امر می کرد و خود را بر نماز خواندن به شکیبایی وای داشت.

حضرت صادق علیه السلام فرماید:

• عَلَیْكَ بِالصَّلَاةِ، فَإِنَّ آخِرَ مَا أَوْصَى بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَحَثَّ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ.
(قرب الاسناد / ۳۶)

○ بر تو باد به نماز، زیرا که آخرین چیزی که رسول الله صلی الله علیه و آله به آن سفارش فرمود و بر انجام آن تاکید نمود، نماز بود.

حضرت صادق علیه السلام فرماید:

• أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الصَّلَاةُ وَهِيَ آخِرُ وَصَايَا الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. (کتاب من لا یحضره الفقیه ۱/ ۲۱۰، الکافی ۳/ ۲۶۴، دعائم الاسلام ۱/ ۱۳۶)

○ دوست ترین عملها نزد خدای عزوجل نماز باشد. و آن آخرین سفارش پیامبران علیهم السلام است.

* از این حدیث شریف و نیز آیات و روایان دیگر چنان بر می آید که: نماز عبادتی کهن و دارای پیشینه دیرین است و در ادیان پیش از اسلام نیز وجود داشته است و پیامبران اُمتهای خود را بدان سفارش می کردند و خود نیز نماز می گزاردند. به طور مثال از زبان حضرت عیسی -علی نبینا و آله و علیه السلام- در قرآن مجید آمده است: «وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا». و خدای مرا سفارش به نماز و زکات فرمود، تا آن هنگام که زنده باشم. (مریم / ۳۱، و درباره دیگر پیامبران نیز بنگرید به: یونس / ۸۷، هود / ۸۷، ابراهیم / ۴۰، مریم / ۵۵، لقمان / ۱۷)

حضرت صادق علیه السلام می فرماید:

- **أَوَّلُ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةَ فَإِذَا قُبِلَتْ قَبْلَ سَائِرِ عَمَلِهِ وَإِذَا رُدَّتْ عَلَيْهِ رُدَّ عَلَيْهِ سَائِرُ عَمَلِهِ.**
(کتاب من لا يحضره الفقيه ۱ / ۲۰۸)

* مضمون این حدیث از رسول الله صلی الله علیه و آله نیز روایت شده است. (بنگرید به: التهذیب ۲ / ۲۳۷)

○ نخستین چیزی که بنده را بدان محاسبه کنند نماز باشد. پس اگر نمازش پذیرفته شود، دیگر اعمالش نیز پذیرفته گردد. و اگر نمازش به او ردّ شود، دیگر اعمالش نیز به او ردّ شود.

ابن هشام نویسد: مردم طائف به هنگام پذیرش اسلام از حضور رسول الله صلی الله علیه و آله درخواست نمودند که ایشان را از نماز معاف بدارد. ولی آن حضرت در پاسخ فرمود: «لَا خَيْرَ فِي دِينٍ لَا صَلَاةَ فِيهِ». خیری نیست در دینی که نماز در آن نباشد. (سیره ابن هشام ۴ / ۱۸۵)

دیلمی نویسد: حضرت علی علیه السلام در پیکار صفین مشغول نبرد با دشمنان بود، ولی با وجود این مراقب خورشید هم بود. ابن عباس گفت: ای امیرمؤمنان، این چه کار است که می کنی؟ آن حضرت فرمود: منتظر زوال خورشیدم تا نماز گزارم. ابن عباس گفت: آیا اکنون وقت نماز است؟! ما مشغول نبرديم! آن حضرت فرمود: مگر ما برای چه می جنگیم؟! جز این نیست که ما برای نماز می جنگیم. (ارشاد القلوب ۲ / ۲۱۷)

آثار نماز

۱. بازداشتن از گناه

خدای عزوجل فرماید:

- **وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ.** (قرآن ، عنکبوت / ۴۵)

○ و برپای دار نماز را، چه، نماز آدمی را از کارهای بسیار زشت و ناپسند باز دارد.

حضرت صادق علیه السلام فرماید:

- مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَعْلَمَ أَقْبِلَتْ صَلَاتُهُ أَمْ لَمْ تُقْبَلْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ مَنَعَتْهُ صَلَاتُهُ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ فَيَقْدِرَ مَا مَنَعَتْهُ قُبِلَتْ مِنْهُ. (مجمع البيان ۸ / ۴۴۷)

○ هر کس دوست دارد بداند که آیا نمازش قبول شده یا نه، پس بنگرد آیا نمازش او را از کارهای بسیار زشت و ناپسند باز داشته یا نه. پس به هر اندازه که نمازش او را باز داشته، به همان اندازه نیز از او پذیرفته شده است.

۲. پاکیزگی از گناه

رسول الله صلی الله علیه و آله فرماید:

- إِنَّمَا مَثَلُ هَذِهِ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ مَثَلُ نَهْرٍ جَارٍ بَيْنَ يَدَيَّ بَابِ أَحَدِكُمْ - يَغْتَسِلُ مِنْهُ فِي الْيَوْمِ خَمْسَ اغْتَسَلَاتٍ فَكَمَا يَنْقَى بَدَنُهُ مِنَ الدَّرَنِ بِتَوَاتُرِ الْغَسْلِ - فَكَذَا يَنْقَى مِنَ الذُّنُوبِ مَعَ مُدَاوَمَتِهِ الصَّلَاةَ فَلَا يَبْقَى مِنْ ذُنُوبِهِ شَيْءٌ. (أمالی مفید / ۱۸۹)

* نظیر این حدیث در تفسیر العیاشی ۲ / ۱۶۲، نهج البلاغه / ۳۱۶ و ۳۱۷ خطبه ۱۹۹ و التهذیب ۲ / ۲۳۷ نیز آمده است.

○ جز این نیست که مثل این نمازهای پنجگانه مثل چشمه ای روان است بر در سرای هر یک از شما، که در روز پنج بار خویشتن را بدان بشوید. پس همانگونه که با شستن های پیایی، بدنش از چرک پاک شود، همچنان با مداومت بر نماز، از گناهان پاک گردد و هیچ گناهی بر او باقی نماند.

رسول الله صلی الله علیه و آله فرماید:

- إِنَّ الْمُسْلِمَ إِذَا تَوَضَّأَ ثُمَّ صَلَّى الْخَمْسَ، تَحَاتَّتْ خَطَايَاهُ كَمَا تَتَحَاتُّ الْوَرَقُ. (المجازات النبویة / ۳۱۵)

* مضمون این حدیث از امیرالمؤمنین علیه السلام نیز روایت شده است. (بنگرید به: نهج البلاغه / ۳۱۶، خطبه ۱۹۹)

○ براستی هر گاه مسلمان وضو گیرد آنگاه نمازهای پنجگانه را بخواند، گناهانش فروریزد، چنانکه برگ از درخت بریزد.

۳. نزول رحمت

امیرالمؤمنین علیه السلام فرماید:

- الصَّلَاةُ تَسْتَنْزِلُ الرَّحْمَةَ. (شرح غرالحکم ۲/ ۱۶۶)

○ نماز رحمت و آمرزش خدای را فرود می آورد.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرماید:

- لَوْ يَعْلَمُ الْمُصَلِّي مَا يَغْشَاهُ مِنَ الرَّحْمَةِ لَمَّا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ السُّجُودِ. (الخصال ۲/ ۶۳۲، شرح غرالحکم ۵/ ۱۱۶)

○ اگر نمازگزار از آن رحمتی که او را فرو می گیرد، آگاه گردد هر آینه سر خود را از سجده بر ندارد.

حضرت صادق علیه السلام فرماید:

- إِذَا قَامَ الْمُصَلِّي إِلَى الصَّلَاةِ نَزَلَتْ عَلَيْهِ الرَّحْمَةُ مِنْ أَعْنَانِ السَّمَاءِ إِلَى أَعْنَانِ الْأَرْضِ وَحَفَّتْ بِهِ الْمَلَائِكَةُ وَنَادَاهُ مَلَكٌ لَوْ يَعْلَمُ هَذَا الْمُصَلِّي مَا فِي الصَّلَاةِ مَا انْقَتَلَ. (الكافي ۳/ ۲۶۵)

○ آنگاه که نماز گزار به نماز ایستد، از کرانه های آسمان تا نواحی زمین رحمت بر او فرود آید و فرشتگان او را احاطه کنند و فرشته ای به او ندا دهد: اگر این نماز گزار بداند آنچه را که در نماز است، از نماز روی برنگرداند و به آن ادامه دهد.

۴. نزدیکی به خدا

حضرت رضا علیه السلام فرماید:

- الصَّلَاةُ قُرْبَانُ كُلِّ تَقِيٍّ. (الكافي ۳ / ۲۶۵، كتاب من لا يحضره الفقيه ۱ / ۲۱۰)

* این حدیث از حضرت رسول و امیرالمؤمنین علیهما السلام نیز روایت شده است. (بنگريد به: الاشعثیات / ۳۲، الخصال / ۲ / ۶۲۰، نهج البلاغه / ۴۹۴ حکمت ۱۳۶)

○ نماز وسیله تقرّب هر تقوا پیشه به خداست.

۵. رسیدن به درجات عالی

رسول الله صلی الله علیه و آله فرماید:

- الصَّلَاةُ مِعْرَاجُ الْمُؤْمِنِ. (كشف الاسرار ۲ / ۶۷۶)

○ نماز وسیله عروج مؤمن است.

رسول الله صلی الله علیه و آله فرماید:

- بِالصَّلَاةِ يَبْلُغُ الْعَبْدُ إِلَى الدَّرَجَةِ الْعُلْيَا. (الخصال ۲ / ۵۲۲)

○ با نماز، بنده به رتبه بالاتر (درجات بالای بهشت) می رسد.

۶. اخلاص و پاکی از تکبر

امیرالمؤمنین علیه السلام فرماید:

- فَرَضَ اللَّهُ ... الصَّلَاةَ تَنْزِيهاً عَنِ الْكِبَرِ. (نهج البلاغه / ۵۱۲ حکمت ۲۵۲، شرح غررالحکم ۴ / ۴۴۹)

* این عبارت در خطبه معروف حضرت زهرا علیها السلام نیز آمده است. (بنگريد به الاحتجاج ۱ / ۲۵۸، كتاب من لا يحضره الفقيه ۳ / ۵۶۸)

○ خدای نماز را برای منزّه ساختن از کبر و خود بزرگ بینی واجب ساخت.

حضرت باقر علیه السّلام فرماید:

• الصَّلَاةُ تَثْبِيتٌ لِلْإِخْلَاصِ وَ تَنْزِيهٌ عَنِ الْكِبَرِ. (أُمَالِي طوسی ۱ / ۳۰۲)

○ نماز تثبیت کننده اخلاص و منزّه کننده آدمی از کبر است.

* آدمی بر اساس طبیعت مادی و حیوانی خویش دچار اندیشه‌های شرک آلود، تکبر و خود بزرگ بینی می شود؛ به غیر خدا توجّه می کند و خود را برتر و بالاتر از دیگران می پندارد. پروردگار عالَمیان نماز را واجب ساخت تا به برکت آن آدمی به خدا توجّه کند و خود را بنده ای از بندگان او بداند. چه، نماز مشتمل است بر اقرار به عظمت و ربوبیت خدای و نفی شریک و همتا برای او و کمال فروتنی و تواضع.

نماز اول وقت

امیرالمؤمنین علیه السّلام به محمد بن ابوبکر فرمود:

• صَلِّ الصَّلَاةَ لَوَقْتِهَا الْمُؤَقَّتِ لَهَا وَ لَا تُعَجِّلْ وَقْتُهَا لِفَرَاغٍ وَ لَا تُؤَخِّرْهَا عَنْ وَقْتِهَا لِإِسْتِغَالٍ. وَ اعْلَمْ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَبِعٌ لِصَلَاتِكَ. (نهج البلاغه / ۳۸۴ و ۳۸۵ نامه ۲۷)

○ نماز را در آن وقتی بخوان که برای آن مقرر گشته. و از بیکاری آن را پیش از وقت خود مخوان. و به جهت کاری آن را از وقت خود تاخیر میانداز. و بدان که هر چیز از عملت تابع نماز توست.

حضرت صادق علیه السّلام فرماید:

• لِكُلِّ صَلَاةٍ وَقْتَانِ ، أَوَّلُ الْوَقْتِ أَفْضَلُهُمَا. (الكافی ۳ / ۲۷۴)

○ برای هر نمازی دو وقت باشد که اول وقت برترین آنهاست.

حضرت صادق علیه السلام فرماید:

- إِنَّ فَضْلَ الْوَقْتِ الْأَوَّلِ عَلَى الْآخِرِ كَفَضْلِ الْآخِرَةِ عَلَى الدُّنْيَا. (الكافی ۳ / ۲۷۴ ، مکارم الاخلاق / ۳۴۹)

○ برتری اول وقت بر آخر آن، همچون برتری آخرت بر دنیا است.

تفکر در نماز

رسول الله صلی الله علیه و آله فرماید:

- رَكَعَتَانِ مُقْتَصِدَتَانِ فِي تَفَكُّرٍ، خَيْرٌ مِنْ قِيَامِ لَيْلَةٍ وَالْقَلْبُ سَاهٍ. (مکارم الاخلاق / ۵۴۷)

○ دو رکعت نماز معتدل، همراه با تفکر، بهتر باشد از یک شب به نماز ایستادن در حالی که دل در غفلت باشد.

* از این حدیث معلوم می شود که «چگونه نماز خواندن» اصل است نه چه اندازه خواندن. و باید دانست که نماز همراه با تفکر عبارت است از این که متوجه باشیم با چه کسی مناجات می کنیم و با او چگونه سخن می گوئیم و معنا و مفهوم سخن ما با او چیست.

حضور قلب در نماز

رسول الله صلی الله علیه و آله فرماید:

- لَا يَقْبَلُ اللَّهُ صَلَاةَ امْرِئٍ لَا يَحْضُرُ فِيهَا قَلْبُهُ. (مستدرک الوسائل ۳ / ۵۹)

○ نپذیرد خدای نماز کسی را که در آن حضور قلب نداشته باشد.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرماید:

- لَا يَقُومَنَّ أَحَدُكُمْ فِي الصَّلَاةِ مُتَكَاسِلًا وَلَا نَاعِسًا وَلَا يُفَكِّرَنَّ فِي نَفْسِهِ فَإِنَّهُ بَيْنَ يَدَيِ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ إِنَّمَا لِلْعَبْدِ مِنْ صَلَاتِهِ مَا أَقْبَلَ عَلَيْهِ مِنْهَا بِقَلْبِهِ. (الخصال ۲ / ۶۱۳)

○ هیچ کس از شما با حالت کسالت و خواب آلودگی به نماز نایستد و در حال نماز و افکار خود مشغول نشود. چه، نماز گزار در برابر پروردگار عزوجل است. و جز این نیست که از نماز بنده، آن اندازه اش او را سود دهد که با قلبش در آن به خدای روی کرده باشد.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرماید:

- إِذَا قَامَ أَحَدُكُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَلْيُصَلِّ صَلَاةَ مُودَعٍ. (الخصال ۲ / ۶۱۳)

* مضمون این حدیث در روایتهای زیادی آمده است. (بنگرید به: بحارالانوار ۸۴ / ۲۳۷ و ۲۵۰ و ۲۵۷ و ۲۶۴)

○ چون یکی از شما به نماز ایستد، پس نماز گزارد بسان کسی که می خواهد دنیا را وداع کند.

حضرت صادق علیه السلام فرماید:

- فَإِذَا صَلَّيْتَ فَأَقْبِلْ بِقَلْبِكَ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ يُقْبَلُ بِقَلْبِهِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي صَلَاتِهِ وَ دُعَائِهِ إِلَّا أَقْبَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ بِقُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَيْهِ وَ أَيْدُهُمْ مَوَدَّتِهِمْ إِيَّاهُ بِالْجَنَّةِ. (کتاب من لا يحضره الفقيه ۱ / ۲۰۹)

○ چون نماز گزارى، با قلبت به خدای عزوجل رو کن. چه، هیچ بنده مؤمنی در نمازش با قلبش به خدای عزوجل روی نکند، جز آنکه خدای عزوجل نیز با محبوب ساختن او در دل های مؤمنان، به او روی کند و افزون بر دوستی مؤمنان، او را به بهشت تأیید کند.

حضرت صادق علیه السلام فرماید:

- إِذَا قُمْتَ فِي الصَّلَاةِ فَاعْلَمْ أَنَّكَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ فَإِنْ كُنْتَ لَا تَرَاهُ، فَاعْلَمْ أَنَّهُ يَرَاكَ. فَأَقْبِلْ قَبْلَ صَلَاتِكَ. (التهدیب ۲ / ۳۲۵)

○ چون در نماز ایستادی، بدان که در برابر خدای ایستاده‌ای. و اگر تو او را نمی بینی، بدان که او تو را می بیند. پس به سمت نمازت روی کن و متوجه نماز خویش باش.

خشوع در نماز

خدای عزوجل فرماید:

- قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ. (قرآن، مؤمنون / ۱ و ۲)
- براستی مؤمنان رستگارند؛ آنان که در نمازشان خاضع و خاشع اند.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرماید:

- لِيَخْشَعَ الرَّجُلُ فِي صَلَاتِهِ. فَإِنَّهُ مَنْ خَشَعَ قَلْبُهُ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ خَشَعَتْ جَوَارِحُهُ فَلَا يَعْثُ بِشَيْءٍ. (الخصال ۲ / ۶۲۸)

○ آدمی باید در نمازش خاشع باشد. چه، هر که قلبش برای خدای عزوجل خواشع باشد، اعضا و جوارح او نیز خاشع باشد و به چیزی مشغول نشود.

حضرت صادق علیه السلام فرماید:

- إِذَا كُنْتَ دَخَلْتَ فِي صَلَاتِكَ فَعَلَيْكَ بِالْتَّخَشُّعِ وَالْإِقْبَالِ عَلَى صَلَاتِكَ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: «الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ». (الكافی ۳ / ۳۰۰)

○ هرگاه داخل نماز شدی، بر تو باد که خود را به خضوع و اداری و توجه به نمازت کنی. زیرا که خدای تعالی می فرماید: «آنان که در نمازشان خاضع و خاشع اند»

حضرت جواد علیه السلام فرماید:

• الْخُشُوعُ زِينَةُ الصَّلَاةِ. (کشف الغمّه ۳ / ۱۳۷)

○ خشوع زینت نماز است.

* خشوع به معانی خضوع، فروتنی، تذلل و تضرع آمده است. و آن را بر باطنی و ظاهری تقسیم کرده اند. خشوع باطنی، توجه داشتن به خدا و خوف او است. و خشوع ظاهری نگاه نکردن به این سوی و آن سوی و مشغول نبودن اعضای بدن است.

شرایط قبولی نماز

حضرت صادق علیه السلام فرماید:

• قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِنَّمَا أَقْبَلُ الصَّلَاةَ مِمَّنْ تَوَاضَعَ لِعَظَمَتِي وَ يَكُفُّ نَفْسَهُ عَنِ الشَّهَوَاتِ مِنْ أَجْلِي وَ يَقْطَعُ نَهَارَهُ بِذِكْرِي وَ لَا يَتَعَاطَمُ عَلَى خَلْقِي وَ يُطْعِمُ الْجَائِعَ وَ يَكْسُو الْعَارِيَ وَ يَرْحَمُ الْمُصَابَّ وَ يُؤْوِي الْغَرِيبَ. فَذَلِكَ يُشْرِقُ نُورُهُ مِثْلَ الشَّمْسِ. وَ أَجْعَلُ لَهُ فِي الظُّلُمَاتِ نُورًا وَ فِي الْجَهَالَةِ عِلْمًا. وَ أَكَلُوهُ بِعِزَّتِي. وَ اسْتَحْفِظْهُ مَلَائِكَتِي. يَدْعُونِي فَالْبَيِّ وَ يَسْأَلْنِي فَأُعْطِي. (المحاسن / ۱۵ و ۲۹۴)

○ خدای تبارک و تعالی فرمود: به راستی نماز را از کسی می پذیرم که برای عظمت من تواضع کند و از برای من نفس خویش را از شهوتها و خواسته های نامشروع باز دارد و روز خود را با یاد من سر کند و بر آفریدگان من بزرگی نکند و گرسنگان را طعام دهد و برهنگان را لباس دهد و به مصیبت زدگان رحم آورد و غریبان را پناه دهد. نور آن کس همچون آفتاب عالمتاب بدرخشد. و من برای او در تاریکیها نوری و در نادانیها دانشی قرار دهم. و او را به عزتم نگه دارم و فرشتگانم او را محافظت نمایند. او مرا بخواند و من لَبَّيْكَ گویم و از من حاجت بخواهد و من عطا کنم.

* شایان ذکر است که افزون بر شرایط فوق، شرایط دیگری نیز وجود دارد که مهمترین آنها، ولایت اهل بیت علیهم السّلام و برائت از دشمنان آنان است. (بنگرید به: ثواب الاعمال / ۲۴۳ و ۲۴۴ و ۲۵۰، المحاسن / ۹۱ و ۹۲ و ۱۹۹)

سبک شماری نماز

رسول الله صلی الله علیه و آله فرماید:

• لَيْسَ مِنِّي مَنْ اسْتَخَفَّ بِصَلَاتِهِ. (الكافي ۳ / ۲۶۹)

* نظیر این حدیث در علل الشریع / ۳۵۶ نیز آمده است.

○ از من نیست آن که نماز را سبک شمارد.

* به گواهی حضرت باقر علیه السّلام این حدیث را حضرت رسول صلی الله علیه و آله به هنگام وفات فرموده است. (بنگرید به: الكافي ۳ / ۲۶۹)

رسول الله صلی الله علیه و آله فرماید:

• لَا يَنَالُ شَفَاعَتِي مَنْ أَخَّرَ الصَّلَاةَ بَعْدَ وَقْتِهَا. (المحاسن / ۸۰، أمالی الصدوق / ۳۲۶)

○ شفاعتم نائل نشود کسی که نماز را پس از وقت آن خواند.

* به گواهی حضرت صادق علیه السّلام، این حدیث را حضرت رسول صلی الله علیه و آله در آخرین لحظات زندگانی خود فرموده است. (بنگرید به: المحاسن / ۸۰)

امیرالمؤمنین علیه السلام فرماید:

- لَيْسَ عَمَلٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ الصَّلَاةِ فَلَا يَشْغَلَنَّكُمْ عَنْ أَوْقَاتِهَا شَيْءٌ مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ ذَمَّ أَقْوَامًا فَقَالَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ يَعْنِي أَنَّهُمْ غَافِلُونَ اسْتَهَانُوا بِأَوْقَاتِهَا. (الحصال ۲ / ۶۲۱)

○ نزد خدای عزوجل عملی دوست تر از نماز نباشد. پس چیزی از امور دنیا شما را از اوقات نماز به خود مشغول نکند. چه خدای عزوجل اقوامی را نکوهش کرده و فرموده است: «آنان که از نمازشان غافلند» [ماعون/۵] یعنی: آنان غفلت ورزند و به اوقات آن اهمیت ندهند.

حضرت صادق علیه السلام فرماید:

- إِنْ شَفَاعَتَنَا لَا تَنَالُ مُسْتَخَفًا بِالصَّلَاةِ. (کتاب من لا يحضره الفقيه ۱ / ۲۰۶، أمالی الصدوق / ۳۹۱، ثواب الاعمال / ۲۷۲، المحاسن / ۸۰)

* مضمون این حدیث از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نیز روایت شده است. (بنگرید به: المحاسن / ۷۹)

○ براستی شفاعت ما نمی رسد به کسی که نماز را سبک شمارد.

* امّ حمیده گوید: حضرت صادق علیه السلام به هنگام وفات، چشمان مبارکش را گشود و فرمود: هر کس را که با من خویشی دارد نزد من حاضر کنید. و ما نیز همه آنان را بر بالین آن حضرت حاضر ساختیم. آنگاه حضرتش نگاهی به آنان کرد و این حدیث شریف را فرمود. (بنگرید به: أمالی الصدوق / ۳۹۱، ثواب الاعمال / ۲۷۲، المحاسن / ۸۰)

* عالم ربّانی جناب شیخ جعفر شوشتري (۱۳۰۳ق) سبک شماری نماز را بر پنج قسم می داند: اول آنکه آدمی نماز را قبول نداشته باشد که این موجب کفر است. دوم آنکه نماز را ترک کند. سوم آنکه مسائل نماز را نداند و به فکر یادگیری آنها نباشد. چهارم آنکه نمازها را به وقت خود نخواند. پنجم آنکه نماز قضا بر گردنش باشد و در صدد به جا آوردن آن نباشد و سال به سال تأخیر اندازد. (بنگرید به: منهج الرشاد / ۳۹)

بی نمازی

خدای عزوجل فرماید:

- يَتَسَاءَلُونَ * عَنِ الْمُجْرِمِينَ * مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ * قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ * ... (قرآن، مدثر / ۴۰ - ۴۳)

○ از مجرمان پرسند: چه چیز شما را به دوزخ افکند؟ گویند: ما از نماز گزاران نبودیم. و ...

رسول الله صلی الله علیه و آله فرماید:

- الصَّلَاةُ عِمَادُ الدِّينِ فَمَنْ تَرَكَ صَلَاتَهُ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ هَدَمَ دِينَهُ. (جامع الاخبار / ۱۸۵ ، عوالی الآلی / ۱ / ۳۲۲)

○ نماز ستون دین است. هر که نمازش را از روی عمد ترک کند، دینش را ویران کرده است.

حضرت صادق علیه السلام فرماید:

- لَا حَظَّ فِي الْإِسْلَامِ لِمَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ. (دعائم الاسلام / ۱ / ۱۳۳)

○ بهره‌ای در اسلام نباشد برای آن که نماز را ترک کند.

تعلیم نماز به کودکان

امیرالمؤمنین علیه السلام فرماید:

- عَلِّمُوا صِبْيَانَكُمْ الصَّلَاةَ وَخُذُوهُمْ بِهَا إِذَا بَلَغُوا الْحُلُمَ. (شرح غررالحکم / ۴ / ۳۵۳)

○ نماز را به کودکان بیاموزید. و هرگاه که بالغ شوند، آنان را برای ادای نماز مؤاخذه کنید و به خود وامگذارید.

حضرت باقر علیه السلام فرماید:

• مُرُوا صِبْيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعِ سِنِينَ. (الكافی ۳ / ۴۰۹)

○ کودکان را به نماز فرمان دهید آن هنگام که هفت ساله شوند.

نماز نافله

حضرت صادق علیه السلام فرماید:

• إِنْ الْعَبْدَ لَيُرْفَعُ لَهُ مِنْ صَلَاتِهِ نِصْفُهَا أَوْ ثُلُثُهَا أَوْ رُبُعُهَا أَوْ خُمُسُهَا فَمَا يُرْفَعُ لَهُ إِلَّا مَا أَقْبَلَ عَلَيْهِ بِقَلْبِهِ وَإِنَّمَا أَمَرْنَا بِالنَّافِلَةِ لِيَتِمَّ لَهُمْ بِهَا مَا نَقَصُوا مِنَ الْفَرِيضَةِ. (الكافی ۳ / ۳۶۳، علل الشرایع / ۳۲۸)

○ به راستی از نماز بنده نصف یا ثلث یا ربع و یا خمس آن بالا رود. و برای او از نماز بالا نرود جز آن مقدار که با قلبش بر آن روی کند. و جز این نیست که خداوند ما را به نافله امر فرموده است از آن رو که کامل کند برای نماز گزاران آنچه را که از نمازهای واجب دچار کاستی شده است.

حضرت کاظم علیه السلام فرماید:

• صَلَاةُ النَّوَافِلِ قُرْبَانُ كُلِّ مُؤْمِنٍ. (ثواب الاعمال / ۴۹)

○ نمازهای نافله وسیله تقرب هر مؤمن است.

* گرچه نمازهای نافله الزامی و واجب نیست، اما در متون روایی و تاکید بسیار بر انجام آنها شده است. چه، در بسیاری از موارد نمازهای واجب از نظر شرایط باطنی دچار کاستی و نقصان است. و تشریع نمازهای نافله از این روست که نقصان پیش گفته تا حدودی جبران پذیرد. البته نمازهای نافله در صورتی مطلوب است که نماز گزار آمادگی قلبی داشته باشد. و انجام آنها به نمازهای واجب

ضرری وارد نسازد. چنانکه امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «لَا قُرْبَةَ بِالنَّوَافِلِ إِذَا أُضْرَتْ بِالْفَرَائِضِ».

(بنگرید به: نهج البلاغه / ۴۷۵ حکمت ۳۹ و ص ۵۳۰ حکمت ۳۱۲)

نماز جماعت

حضرت صادق علیه السلام فرماید:

- أَنْ الصَّلَاةَ فِي جَمَاعَةٍ أَفْضَلُ مِنْ صَلَاةِ الرَّجُلِ وَحْدَهُ بِخَمْسٍ وَعِشْرِينَ صَلَاةً. (الكافي ۳ / ۳۷۱، التهذيب ۳ / ۲۴)

○ نماز در جماعت بیست و پنج برابر برتر باشد از نماز فرادی.

حضرت باقر علیه السلام فرماید:

- مَنْ صَلَّى الْخَمْسَ فِي جَمَاعَةٍ فَطَنُوا بِهِ خَيْرًا. (الكافي ۳ / ۳۷۱، كتاب من لا يحضره الفقيه ۱ / ۳۷۶، دعائم الاسلام / ۱۵۳)

○ هر که نمازهای پنجگانه را به جماعت خواند، به او ظنّ نیک داشته باشید.

حضرت باقر علیه السلام فرماید:

- مَنْ تَرَكَ الْجَمَاعَةَ رَغْبَةً عَنْهَا وَ عَنْ جَمَاعَةِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ فَلَا صَلَاةَ لَهُ. (المحاسن / ۸۴، الكافي ۳ / ۳۷۲، ثواب الاعمال / ۲۷۷)

○ هر که نماز جماعت را بدون عذر از روی بی اعتنائی به آن و به جماعت مؤمنان، رها کند، نماز کامل برای او نباشد.

نماز های نمونه

جعفر بن احمد قمی نویسد:

○ چون پیامبر صلی الله علیه و آله به نماز می ایستاد، رخسار مبارکش از خوف خدا دگرگون می گشت. (بحار الانوار ۸۴ / ۲۴۸)

رسول الله صلی الله علیه و آله فرماید:

○ هر گاه فاطمه در محرابش مقابل پروردگارش جلّ جلاله بایستد فرشتگان آسمان را نورافشانی کند، آنگونه که ستارگان آسمان، اهل زمین را نورافشانی کنند. و خدای عزوجلّ به فرشتگان فرماید: فرشتگان من! بنگرید کنیزم فاطمه، سیده کنیزانم را که در برابر من به عبادت ایستاده، بدنش از خوف من می لرزد در حالی که از جان و دل به عبادت من روی آورده است. (أمالی الصدوق / ۹۹ و ۱۰۰)

حضرت سجّاد علیه السّلام فرماید:

○ حسن بن علی علیهما السّلام چون به نماز می ایستاد بدنش می لرزید، از آنجا که خویشتن را در محضر پروردگار عزوجلّ می دید. (أمالی الصدوق / ۱۵۰ و ۱۵۱)

حضرت باقر علیه السّلام فرماید:

○ چون حضرت سجّاد علیه السّلام به نماز می ایستاد، رنگ رخسارش دگرگون می شد. و ایستادنش در نماز بسان ایستادن بنده ای ذلیل در برابر پادشاهی بزرگ بود. اعضای بدنش از خوف خدای عزوجلّ لرزان می شد. و به گونه ای نماز می خواند که گویا آخرین نماز اوست و دیگر هیچگاه نماز نخواهد خواند. سوگند به خدای که آن حضرت روزی به نماز ایستاد و ردا از دوش مبارکش افتاد، ولی آن را بر جای خود باز نگرداند تا اینکه نمازش به پایان آمد. یکی از یارانش پرسید: چرا چنین؟ آن حضرت فرمود: وای بر تو، دانی که در برابر چه کسی بودم؟! براستی نماز از بنده پذیرفته نشود جز آن مقدار که به قلبش متوجّه خدا باشد. (الخصال ۲ / ۵۱۷)

ابو ایوب گوید:

○ چون حضرت باقر و حضرت صادق علیهما السلام به نماز می ایستادند رنگ رخسارشان گاهی سرخ می شد و گاهی زرد. گویا آن دو بزرگوار با شخصی مناجات می کردند که او را می دیدند. (بحار الانوار ۸۴/۲۴۸ و ۲۶۵)

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. اربلی ، علی بن عیسی بن ابی الفتح (۶۹۳ ق). کشف الغمه ، به کوشش سید هاشم رسولی ، بیروت ، ۱۴۰۱ ق.
۳. اشعث کوفی ، محمد بن محمد (سده ۴ ق) الاشعثیات (الجعفریات)، مکتبه نینوی الحدیثه - تهران.
۴. ابن ابی جمهور ، محمد بن علی بن ابراهیم احسائی (سده ۱۰ ق). عوالی اللآلی، به کوشش مجتبی عراقی ، چ اول، قم، ۱۴۰۵ ق.
۵. ابن هشام، عبدالملک بن هشام (۲۱۳ / ۲۱۸ ق)، السیره النبویه، به کوشش مصطفی السقا، ابراهیم الابیاری و عبدالحفیظ شلبی، دارلقلم - بیروت.
۶. برقی، ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد (۲۷۴ / ۲۸۰ ق)، المحاسن ، به کوشش سید جلال الدین حسینی ارموی، دارالکتب الاسلامیه - قم.
۷. تمیمی، قاضی نعمان بن محمد (۳۶۳ ق)، دعائم الاسلام، به کوشش آصف علی اصغر فیضی.
۸. حمیری، عبدالله بن جعفر (سده ۳ ق)، قرب الاسناد، به کوشش موسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۳ ق.
۹. خوانساری، جمال الدین محمد بن حسین (۱۱۲۵ ق)، شرح غررالحکم، به کوشش سید جلال حسینی ارموی، چ سوم، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ ش.
۱۰. دیلمی، حسن بن ابی الحسن (سده ۸ ق)، ارشاد القلوب، منشورات الرضی - قم.
۱۱. سبزواری، محمد بن محمد، جامع الاخبار ، به کوشش علاء آل جعفر، موسسه آل البيت عليهم السلام - بیروت، ۱۴۱۳ ق.
- ۱۲ و ۱۳. شریف رضی، محمد بن حسین بن موسی (۴۰۶ ق)،
- المجازات النبویه به کوشش طه محمد الزینی، بصیرتی - قم.
- نهج البلاغه، به کوشش صبحی صالح، هجرت - قم، ۱۳۹۵ ق.
۱۴. شوشتری، شیخ جعفر (۱۳۰۳ ق)، منهج الرشاد، چ سنگی.

۱۵ - ۱۹. صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی (۳۸۱ ق)،

- الامالی، چ پنجم، اعلمی - بیروت، ۱۴۰۰ ق.
- ثواب الاعمال، نشر صدوق و کتبی نجفی - تهران و قم.
- الخصال، به کوشش علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین - قم.
- علل الشرائع، با مقدمه سید محمد صادق بحر العلوم، دارالبلاغه - بیروت.
- کتاب من لا یحضره الفقیه، به کوشش علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین - قم.

۲۰. طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب (سده ۶ ق)، الاحتجاج، به کوشش سید علاء الدین علوی، - تهران، ۱۳۷۶ ش.

۲۱. طبرسی، حسن بن فضل (سده ۶۴ ق)، مکارم الاخلاق، به کوشش سید علاء الدین علوی، - تهران، ۱۳۷۶ ش.

۲۲. طبرسی، فضل بن حسن (۵۴۸ ق)، مجمع البیان، به کوشش سید هاشم رسولی و سید فضل الله یزدی، بیروت، ۱۴۰۸ ق.

۲۳ و ۲۴. طوسی، محمد بن الحسن (۴۶۰ ق)،

- امالی الطوسی، المكتبة الاهلیه - بغداد، ۱۳۸۴ ق.
- تهذیب الاحکام، به کوشش سید حسن خراسان، چ سوم، دارالاضواء - بیروت.

۲۵. عیاشی، محمد بن مسعود بن عیاش (سده ۳ ق)، تفسیر العیاشی، به کوشش سید هاشم رسولی، علمیہ اسلامیہ - تهران.

۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۳۲۸ / ۳۲۹ ق)، الکافی، به کوشش علی اکبر غفاری، اسلامیہ - تهران، ۱۳۸۸ ش.

۲۷. مجلسی، محمدباقر (۱۱۱۰ ق)، بحار الانوار، دار احیاء التراث العربی - بیروت، ۱۴۰۳ ق.

۲۸. مفید، ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان (۴۱۳ق)، الامالی، به کوشش حسین استاد ولی،
جامعه مدرسین - قم.

۲۹. مبدی، رشید الدین بن احمد بن محمد (سده ۶ق)، کشف الاسرار، به کوشش علی اصغر
حکمت، امیر کبیر - تهران، ۱۳۵۷ ش.

۳۰. نوری، میرزا حسین (۱۳۲۰ق)، مستدرک الوسائل، به کوشش موسسه آل البيت عليهم
السلام - قم، ۱۴۰۸ ق.